

# جشن مهرگان

## مزگان آقاجانیان

کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی و پژوهشگر فرهنگ

ونکوور کانادا



نگاره‌ای از تاق‌بستان در کرمانشاه ایران. شمشیر در این نماد از دوران صفوی افزوده شده‌است. در این نگاره، شاه ساسانی، شاپور دوم در میان و در سمت راست وی اهورا مزدا که چمبره‌ی فر ایزدی را برای تاجگذاری به او می‌دهد، بر روی دشمنی به خاک افتاده (ژولیان امپراتور روم) ایستاده‌اند. در سمت چپ شاه، میترا یا مهر، که پیکان‌های نوری همچون خورشید از سر او در همه سمت‌ها پراکنده شده، شاخه‌ای از گیاهان به نام «برسم» را در دست گرفته‌است و بر روی گل نیلوفری ایستاده‌است

در گذشته، مهرگان پس از نوروز بزرگ‌ترین جشن ایرانیان بوده است. جشن مهرگان در روز شانزدهم مهر، روزی که نام روز و ماه توأمان مهر بوده، برگزار می‌شده و متعلق به ایزد مهر بوده است. امروزه، جشن مهرگان کاملاً تغییر ماهیت داده و هر ساله به صورت نشست‌های فرهنگی و ادبی در میان روشنفکران، ادیبان، نویسندگان و شعرا برگزار می‌گردد. جشن مهرگان هم مانند بسیاری از مناسبت‌های باستانی جوانب مختلف داشته است؛ از جمله وجه تاریخی - اسطوره‌ای که اشاره به حماسه فریدون و کاوه آهنگر بر علیه ضحاک ماردوش است که بسیار گفته و نوشته شده است. اما یکی از مهمترین وجوه جشن مهرگان که کمتر به آن پرداخته شده، جنبه‌ی آئینی آن است که پایه‌گذار آیین و فرهنگ غربی

”

آریایی‌ها ایران را  
سرزمین پیمان  
می‌دانستند و فقط  
جنگ با کشورهای  
پیمان‌شکن را مباح  
می‌دانستند. آنها هنگام  
عزیمت به جنگ از فراز  
اسب با یکدیگر هم‌قسم  
شده و به درگاه مهر برای  
مدد به گسترش داد،  
دعا می‌کردند. کم‌کم در  
کنار وظایف برکت‌بخشی  
مهر، حمایت او از پیمان  
توسعه یافت. مهر،  
همچنین نمادی برای  
عدل و داد بود

است. مهر، یکی از کهن‌ترین ایزدان و اسطوره‌های ایرانی و هندی است. مهر، پیش از ظهور زرتشت، خدا بوده است. اولین خدای مینوی. زرتشت، چون اعتقاد و احترام مردم را به این خدا دریافت، او را به عنوان فرشته‌ی آفریده‌ی اهورامزدا گرامی داشت. بنابر این نخستین خدای مافوق‌الطبیعه (مینوی) جهان، متعلق به ایرانیان بوده است در حالی که بقیه‌ی ملل تا سال‌ها بعد ماده‌پرست بودند.

مهر، ایزدی است موکل فروغ، روشنایی، عدل، دوستی و حامی پیمان و هشداردهنده به پیمان‌شکنان. ایرانیان معتقد بودند که پایبند بودن به عهد و پیمان، اساس تمام زندگی نظام‌یافته در کیهان، دین و جامعه است. با مراعات پیمان، مردمان با هم پیوستگی می‌یابند و ریشه‌ی دروغ و تزویر و ریا خشک می‌گردد. هنوز دعای داریوش بر سنگ‌نبشته‌های تخت‌جمشید موجود است که گفته: «**خداوندا این کشور را از دشمنی، خشکسالی و دروغ محفوظ بدار.**»

آریایی‌ها، ایران را سرزمین پیمان می‌دانستند و فقط جنگ با کشورهای پیمان‌شکن را مباح می‌دانستند. آنها هنگام عزیمت به جنگ از فراز اسب با یکدیگر هم‌قسم شده و به درگاه مهر برای مدد به گسترش داد، دعا می‌کردند. کم‌کم در کنار وظایف برکت‌بخشی مهر، حمایت او از پیمان، توسعه یافت. مهر، همچنین نمادی برای عدل و داد بود. آرزوی احقاق عدالت از دیرباز بر زندگی مردم ایران سایه افکنده و بینش و جهان‌بینی آنها را تحت‌تأثیر قرار داد.

در دوران حکومت اشکانیان، آیین مهر، آیین رسمی امپراتوری آریایی‌ها بود و در همین دوران، در سده‌ی یکم پیش از میلاد مسیح بود که لژیون‌های رومی که با پارت‌ها می‌جنگیدند این آیین آریایی را که با روحيات سنت‌های ملی و آرمانی خود سازگار دیدند، با خود به امپراتوری روم بردند و سپس آیین مهر در سرتاسر سرزمین‌های غربی و اروپا منتشر و اندکی بعد، برای بیش از سه قرن به صورت آیین رسمی امپراتوران رومی درآمد. این آیین، تا اوایل ظهور مسیح رواج فراوان داشته و به همین دلیل مهرابه‌ها، مجسمه‌ها و نقش‌برجسته‌های فراوانی از میترا در اروپا وجود دارند. در ایران، شمار زیادی از مکان‌ها را منسوب به مهر یا میترا می‌دانند ولی باید گفت برخلاف نمونه‌های موجود در هند یا اروپا، در مکان‌های منسوب به میترا در ایران، تندیس، نقش‌برجسته و یا نقاشی از میترا وجود ندارد. پارسیان همواره میترا (مهر) و ناهید (آناهیتا) را به عنوان دو فرشته‌ی مقرب درگاه ایزد مقدس دانسته و احترام می‌گذارند. نباید تصور کرد که این دو فرشته، همچون الهه‌های یونانی هستند؛ چرا



که اگر چنین بود، ایرانیان که مهارت بسزایی در کار سنگ‌تراشی و مجسمه‌سازی داشتند، چون یونانیان از آنها مجسمه می‌ساختند. میترا و آناهیتا تنها نمادی از راستی، درستی، نیکی و حقیقت بودند و ایرانیان آنها را در فکر و اندیشه‌ی خود می‌پروراندند.

پرستش مهر، که از قرن اول پیش از میلاد مسیح در روم شروع شده بود، تا سده‌ی چهارم میلادی ادامه داشت. این آیین در سده‌های نخستین میلادی، در اروپا به چنان درجه‌ای از مقبولیت رسید که مدت زمانی این تردید را به وجود آورد که از میان این دو آیین مهر و مسیحیت، پیروزی با کدام است. وسعت قلمروی مهر، اروپا و آسیا (به استثنای کشورهای زردنژاد) و آفریقا تا حدود صحرا را فرا گرفت. در هیچ قرنی، هیچ ایزد یا پیامبری به شهرت مهر نبوده است. فیلسوف و مورخ معروف فرانسوی، ارنست رنان، در این باره می‌گوید:

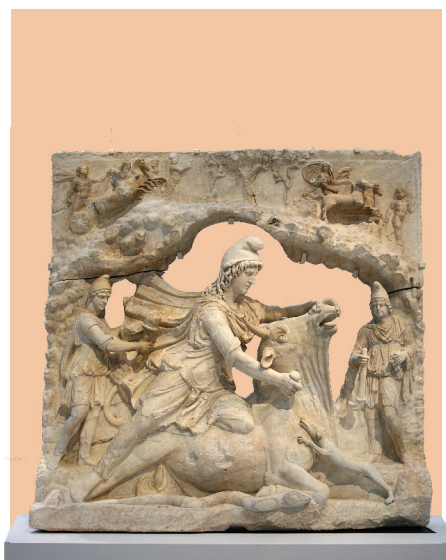
اگر مذهب مسیح به علت مرض کشنده‌ای در پیشرفت خود متوقف می‌شد، بدون شک عالم بشریت آیین مهری را مذهب رسمی خود می‌کرد.

در هر حال، با وجودی که نهایتاً مسیحیت پیروز شد، آداب و رسوم یا به عبارتی شکل ظاهرش را از آیین کهنسال مهر، اسطوره‌ی ایرانی که بیشتر از سیصد سال در امپراتوری روم قدمت داشت، به عاریه گرفت. تأثیر وسیع و همه‌جانبه میترایسم در شکل‌گرفتن مسیحیت، همواره باعث شگفتی پژوهشگرانی بوده که در این باره به بررسی‌های تاریخ مذهب پرداخته‌اند. وسعت اقتباس‌هایی که مسیحیت در زمینه‌های مختلف از سنت‌های مهری به‌عمل آورده، در هیچ آیین دیگری سابقه ندارد.

مهم‌ترین این کپی‌برداری‌ها، تعیین روز ۲۵ دسامبر برای تولد عیسی مسیح است که در سال ۳۲۵ یعنی سه قرن پس از حیات او در شورای کلیسای کاتولیک در مورد آن تصمیم گرفته‌شد و تا بدان هنگام ضابطه‌ای در این مورد برای مسیحیان وجود نداشت. انگیزه‌ی این انتخاب این بود که این روز، از زمان رواج آیین مهر، در امپراتوری روم به‌عنوان روز تولد مهر جشن گرفته می‌شد؛ زیرا در این روز که مقارن آخرین شب پاییز و آغاز زمستان- شب یلدا- بود، خورشید از پایین‌ترین حد پاییزی خود در شب یلدا دوباره آهنگ بالارفتن می‌کرد و طول روزها تا جشن آغاز بهار که در آن دوباره تعادل روز و شب برقرار می‌شد، ادامه می‌یافت؛ بدین جهت روز



در هر حال، با وجودی که نهایتاً مسیحیت پیروز شد، آداب و رسوم یا به عبارتی شکل ظاهرش را از آیین کهنسال مهر، اسطوره‌ی ایرانی که بیشتر از سیصد سال در امپراتوری روم قدمت داشت، به عاریه گرفت



آیین گاوکشی مهر؛ تندیس‌ی از فرهنگ رومی

”

خورشید، نماد مهر است  
و درخت سرو یا کاج نیز  
نمادی برای خورشید.  
درختی همیشه سبز و  
باطراوت نشانه‌ی بهار  
و در عین حال مظهر و  
جنبه‌ی مطرح و مثبت  
زندگی است. سرو،  
پیش از اسلام، جنبه‌ی  
مقدس و نمادین داشته  
و برای این سخن  
برهان تک‌درخت  
بودن سرو در بنای  
سترگ تخت جمشید را  
می‌آورند



۲۵ دسامبر به‌عنوان روز تولد مهر (میترا) جشن گرفته می‌شد. با توجه به ریشه‌داری چند صد ساله‌ی این سنت در امپراتوری روم، کارگردانان کلیسای نوخواسته‌ی مسیحیت صلاح در این دیدند که به جای تعیین روز دیگری برای تولد عیسی مسیح، همین روز تولد مهر را برگزینند و فقط نام مسیح (ع) را جایگزین مهر کنند.

تولد مهر در فرهنگ ایرانی، در شب یلدا مقارن با ۲۰ یا ۲۱ دسامبر است. وقتی آیین مهری از تمدن ایران باستان به سایر جهان منتقل شد، در روم و بسیاری از کشورهای اروپایی، در پی اشتباه محاسباتی، این روز به ۲۵ دسامبر انتقال یافت و هنوز همین روز از سوی مسیحیان به‌عنوان روز کریسمس جشن گرفته می‌شود. از این روست که تا به امروز بابانوئل با لباس و کلاه موبدان ظاهر می‌شود.

در تصاویر و کنده‌کاری‌های باقی‌مانده از گذشته‌های دور، میترا بر روی درخت کاج نشسته است همان کاجی که مسیحیان در شب میلاد مسیح با ستاره‌های نورانی (نماد میترا) در بالای آن، آذینش می‌بندند.

خورشید، نماد مهر است و درخت سرو یا کاج نیز نمادی برای خورشید. درختی همیشه سبز و باطراوت نشانه‌ی بهار و در عین حال مظهر و جنبه‌ی مطرح و مثبت زندگی است. سرو، پیش از اسلام، جنبه‌ی مقدس و نمادین داشته و برای این سخن، برهان تک‌درخت بودن سرو در بنای سترگ تخت جمشید را می‌آورند.

نماد دیگر مهر، همان چلیپا یا گردونه‌ی مهر است که به‌صورت صلیب امروزه‌ی مسیحیان است و به اعتقاد پیشینیان، دربردارنده‌ی نیروهای آسمانی بوده و کاربردی وسیع دارد. این نشانه در ایران و هند و نزد قوم آریایی، مظهر و نشانه‌ی خورشید بوده است. آنان معتقد هستند که هر شاخه از این علامت جایگاه یکی از عناصر چهارگانه است. بدین ترتیب چهار عنصر با هم و با چرخش خود، نظام طبیعت و ذات آفرینش را حفظ می‌کنند.

نظیر همین جابجایی در مورد روز مقدس هفتگی انجام گرفت. یعنی روز هفتگی مهر که روز خورشید نامیده می‌شد و مصادف با یکشنبه‌ی کنونی بود روز مقدس هفتگی مسیحیت تعیین شد و از جانب کلیسا روز خداوند نامیده شد و هنوز اصطلاح دوران مهری آن به‌صورت روز خورشید (Sunday) مرسوم است. جشن سالانه‌ی بهاری آیین میترا که در نخستین یکشنبه‌ی بعد از اولین ماه شب چهاردهم بهار برپا می‌شد، عیناً همان است که اکنون در جهان مسیحیت



آیین مسیحی کلاً  
مدیون آیین مهری یا  
میتراپیسم است. اگر  
آیین مهر وجود نداشت،  
مسیحیت به گونه‌ای  
که امروز می‌شناسیم  
با آیین‌ها و مراسم  
گسترده وجود نداشت.  
جریان‌های دیگر دینی و  
مسلک‌های صوفی‌مآبانه  
نیز، از این سرچشمه‌ی  
جوشان تأثیرات بسیاری  
پذیرفته‌اند

به صورت عید پاک و صعود عیسی مسیح به آسمان جشن گرفته می‌شود. اسطوره‌ی تولد عیسی از مادر باکره در یک طویله، عیناً همان اسطوره‌ی تولد مهر از مادر باکره در درون یک غار است و افسانه‌ی سه پادشاه مغ که به دنبال زایش عیسی به راهنمایی ستاره‌ای به دیدار او می‌آیند، به نوبه‌ی خود تکرار افسانه‌ی سه چوپانی است که به دنبال ستاره‌ای برای دیدار مهر به غار زایشگاه او رفته بودند.

این مشابهت‌ها و کپی‌برداری‌ها این قدر در مراسم مذهبی، جشن‌ها و آیین‌های غربی زیاد است که ذکر آنان نه در حد و اندازه‌ی یک مقاله، بلکه در حد یک کتاب قطور است. غسل تعمید، ظرف آب مشترک در کلیسا، سنگابه‌ها و حوضچه‌هایی که در مدخل تکیه‌ها و اماکن مقدس برپا می‌کنند و افروختن شمع در اماکن مقدسه، همه از یادگارهای آیین مهری است. نواختن زنگ نیز، از ایران همراه مهر به اروپا رفت. دوازده برج آسمانی، یاران مهر بودند که در آیین مسیح به گونه‌ی حواریون دوازده‌گانه درآمدند. رنگ ارغوانی و سرخ و گلرنگ، لباس کاردینال‌ها و کشیشان مسیحی، یادگاری از تشریفات مهری است.

تشریفات و رسوم مسیحیت در مقیاسی چنان وسیع از آیین‌های ماقبل مسیحی مایه گرفته بود که نخستین روحانیون آیین مسیحی که از مکانیسم این نقل و انتقالات عقیدتی بی‌خبر بودند، آیین میترا را متهم می‌کردند که تشریفات فراوانی را با تقلبی شیطانی از مسیحیت تقلید کرده است. در صورتی که واقعیت این بود که همه‌ی اینها را مسیحیت از آیین میترا تقلید کرده بود.

آیین مسیحی کلاً مدیون آیین مهری یا میتراپیسم است. اگر آیین مهر وجود نداشت، مسیحیت به گونه‌ای که امروز می‌شناسیم با آیین‌ها و مراسم گسترده وجود نداشت. جریان‌های دیگر دینی و مسلک‌های صوفی‌مآبانه نیز، از این سرچشمه‌ی جوشان تأثیرات بسیاری پذیرفته‌اند. ذکر و توصیف این موارد شاید به خودباوری و تقویت اعتماد به نفس ملی ایرانیان کمک کند و تلنگری باشد برای بازنگری بر این شک نزدیک به یقین در نسل جوان که علم، فرهنگ، تمدن، و هر آن چه که به کار آید از آن غرب است و یا آن گروه‌های افراطی که بر آن گمانند که یکتاپرستی، ایدئولوژی و جهان‌بینی را اسلام به ایرانیان عرضه کرد و ایرانیان قبل از پذیرش اسلام، جماعتی بودند با دغدغه‌هایی در حد خور و خواب و خشم و شهوت!